

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوشان

هیچ حزب -  
دسته یا جمعیتی  
ستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

۲شنبه ۱۳ آبان ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۳۳

## کابینه جدید و کشاورزی

پس از ده روز مطالعه روز شنبه آقای حکیمی وزیرای خود را به حضور ملوکانه معرفی نموده پس از آن هر یک در وزارت خانه های مربوطه بکار مشغول شدند.

این دهمه نیز آقای حکیمی در مقابل تصویبات ناروای پاره نمایدگان استنادگی کرده و تا آنجا که مقدور بود در انتخاب وزیران یا کادمان و خوش نام و کسانیکه مقبولیت عامه دارند کوشش نمودند و شخصیت هائی برجسته و فعال را در کابینه خود شرکت دادند.

این روزهاست که بازم بناسبت تشکیل دولت جدید تذکرات چندماه پیش و چند سال پیش تکرار میشود تذکراتی که با هزاران فساد، مولود دستگاههای بی نظمو ترتیب دولتی، و باصدها خرابی ایجاد شده ماه های اخیر توام میباشد.

اصلاح کلیات و ترمیم خرابی های بقدری است که هر قدر هم نوشته شود. باز امانه دارد بطوریکه فقط تذکر و تشریح آن ماه ها وقت لازم خواهد داشت. در میان این مسائل بفرنج و این مشکلات فراوان که مملکت با آن مواجه است یک موضوع حیاتی کشور را در اینجا تذکر

میدهم و آن موضوع کشاورزی است و امیدواریم تذکرات اساسی که داده میشود مورد توجه واقع گردد. صرف نظر از بحث در کلیات کشاورزی و اهمیت حیاتی آن در ایران که خود چندین شماره روزنامه را خواهد گرفت لازم است نکاتی را گوشزد کنیم و بگوئیم قبل از هر چیز ایران مملکتی است فلاحتی و در حدود ۹ درصد ساکنین آن مستقیماً از راه کشاورزی امرامعاش

میشایند ده درصد بقیه هم محتاج به کار و کوشش و دسترنج نموده کشاورز میباشد و باز باید بگوئیم این اکثریت قاطع که کشاورزان مملکت باشند در وضع بسیار

نامطلوب و در بیچارگی نون الماده ای زندگی نموده و بحقیقت میتوان گفت آنچه را برای آسان زندگی نام میگذارند جز مبارزه ای با مرگ نیست. مسکن بهداشت، خوراک پوشاک و غیره در این دست زندگانی بدویان صد ها سال پیش را حکایت میکند. در حالی که سازمانی بنام وزارت کشاورزی در مملکت موجود است که باید در تغییر وضع اسفناک کشاورزی کوشیده بحال این جمعیت بیچاره ای که توده کشاورزان میگذارند نموده محصولات کشاورزی را مرغوب تر ساخته بر میزان محصول - بیفزاید.

این دستگاه وسیع که با انواع مدیرکلها و شعبات آن در نقاط مختلفه مملکت بوسیله تابلو های رنگ رفته رفته و خاک گرفته معرفی میگردد نشانه بارزی از فلاکت و فقر عمومی و انحلال دستگاه بوشالی دولت است.

**این دستگاه که میبایست حساس ترین و موثرترین سازمان های مملکتی بوده و منشاء خوشبختی مردم و خانه امید ملت باشد قیافه هر گسباری بخود گرفته نه تنها فایده ای از آن عاید مردم نمیکرد بلکه مشکلاتی هم ایجاد کرده و کانونی است که هر کس بدان راه یابد سستی و رخوت در ناری بود و وجودش حکمفرما خواهد گشت.**

این دستگاه که از جوان ترین سازمان های مملکتی است افرادی را بخود مشغول داشته که آن ها هم از جوان ترین و حساس ترین افراد کشور میباشد عشق و علاقه این جوانان بکار و خدمت قابل تقدیر و اتکای آنان با اطلاعات و معلومات خود

میشد در آیین خویش تلق و چاپاوسی و متوسل شدن باین و آن را کفر میدانند خافل از اینکه یگانه راه پیشرفت و رسیدن بآمال و آرزو های نرسدی در این کشور این شده که چند و کیل را چسبیده برده وار و کور کورانه فرمایشات و تفاسیهای غیر مشروع آنان را انجام داده بیادش بکار بزرگتری گمارده شوند. این جوانان تحصیل کرده را که در وزارت کشاورزی ریخته اند اکثرآ بکارهایی مشغولند که شایسته مقام و تحصیلات آنان نیست و فقط از فرط استیصال ناچار بقبولش هستند اینان این راه و رسم پیشرفت را ننگ میدانند گذشته از چند فقره که شاید هم رنگ جماعت شده باشند و در دسته بندی های مغرب مملکت وارد گشته باشند دیگران هامن خود را به این ننگ آلوده نکرده اند و از اینرو کبیر داده شده اند که هم خودشان گننام باشند وهم دستگامی که بدان متشبته فراموش کردند.

این دسته جوانان که هنوز فساد چندساله و کارشکنی هار ناملاهیات نتوانسته است ازاده و تسیم آنان را در هم شکسته و از فکر اولیه خود منحرف کند هر چند وقت یکبار کرده جمیع بشوند تاثرات خود را از این اقتضاح دستگاه کشاورزی برای هم بازمی گویند و مصمم بیارزه میگردند ولی چون طرف حربان زورمندی هستند کوشش های آنان غشی و بدون نتیجه می ماند.

**اگر روزی بخواهند از این وجودهای گران بها، از این جوانان که ملیونها تومان برای تحصیل و تربیت آنها خرج شده و بحقیقت میتوان گفت از ذخایر ملی کشور هستند استفاده نمایند و وسایل کار در اختیار آنها گذارده هود ذی قیمت ترین خدمات را باین مملکت خواهند نمود.**

امروز ما تذکر این نکات را لازم میدانیم زیرا بیا که امنی و خدمتگزاری و میهن پرستی شخص نخست وزیر اعتقاد داریم و بر راس وزارت کشاورزی هم شخص مطلع و دانشمند قرار گرفته که خود در نتیجه سالیان نمسادی خدمت در سازمان های کشاورزی ادوار مختلفه کاملاً واقف و وارد است و کوچکترین نکته ای بر او پوشیده نیست.

بنا بر این تذکرات اولیه ما برای استحضار شخص نخست وزیر بچگونگی عناصر مشکله اساسی وزارت کشاورزی بود اما آنچه را باید با آقای عدل وزیر کشاورزی تذکر دهیم این است:

شما وقتیکه در چندی قبل برای اولین بار بوزارت کشاورزی انتخاب شدید از دوست و دشمن این انتخاب را (حسن انتخاب) - نامیدند نه تنها بخود تبریک میکنند بلکه انتخاب شما را یکی از اقدامات مفید و بسیار بجا دانسته و یقین داشتند بدست شما اصلاحات اساسی در اوضاع عمومی کشاورزی بعمل خواهد آمد شما در آن موقع در مجلس وجهه بسیار خوبی داشتید شما را بگانه شخص شایسته ای برای اینکار میدانستند و پیشنهادات شما بنظر احترام مینگریستند.

**شما در آن وقت بهترین موفقیت را داشتید شما میتوانستید طوری کار کنید که پیچ و خمهای سیاست بقیه درمنه ۸**



خبر های کشور

معرفی هیئت دولت

روز شنبه گذشته آقای نخست وزیر هیئت وزیران را بشرح ذیل بحضور اعلیحضرت همایونی معرفی نمودند:

آقای امان الله اردلان وزیر دادگستری

« دکتر سعید مالک » بهداری

« خلیل قهیبی » کشور

« اقبال صالح » مشاور

« حسنعلی کمال هدایت وزیر مشاور

« عبدالحمید وزیر » دارائی

« غلامحسین رهنما » فرهنگ

« ابوالقاسم نجم » امور خارجه

« سرلشکر ریاضی » جنگ

« فیروز » راه

« احمد حسین عبدل » کشاورزی

« محمود تریمان » پست و تلگراف

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر هم بدست تعیین و معرفی خواهد شد.

اخبار کردستان

غیر تسخیر دزلی در هفته گذشته در جرابه تهران منعکس شد. اگرچه هنوز از جزئیات جریان امر استحضار حاصل نشده ولی آفتوریکه تا بحال خبر رسیده این است که در تاریخ ۲۴/۷/۳۰ نایبند اعزامی آقایان سر لشکر جهانبانی و سرتیپ هایبونی و اشراف کردستان که آقای آیت الله هردوخ بوده اند موفق به مذاکره ای با روسای عشایر شده و عموماً برای اطاعت دولت حاضر بوده اند حتی جن و سرودی هم در قریه دزلی برقرار گردید ولی بعلت نامطمئن بودن موقعی که مذاکرات به نتیجه مطلوب میرسد صدای تیر اندازی توب که از طرف عده ای از قزاق دولتی که از مرزبان میآمده بلند و این عمل موجب سوء ظن روسای عشایر واقع گردیده ناچار دزلی را ترک نمودند

اغانه بمقتصدین گان بانه

خبرنگار نامه کوهستان دو سفر صورت در آمد و هزینه وجود اغانه شده به متدین گان بانه را بشرح ذیل گزارش میدهد:

الف در آمد

- ۱- حواله شیرو غور شید سرخ مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ۲- عطیه ملوکانه ۱۰۰۰۰۰ >
- ۳- کسب و تجار سفر ۸۵۳۵ >
- ۴- حواله وزیر مشاور ۱۵۰۰۰۰ >
- ۵- اداره غله سفر ۵۰۰۰ >
- ۶- فروشندگان توتون ۵۹۰۶۰ >

جمع ۴۲۶۵۵۵ ریال

ب هزینه

- ۱- وسیله جطرزاده کارمند دارائی حواله فرماندهی لشکر بشماره ۱۸۶۱ ۲۴۷/۲۹
- ۲- بهای ۱۸۵۳ اصله تیر ۷۶۲۰۵ >
- ۳- بهای ۵۰۰ گندم برای اهالی بانه ۱۲۲۱۲۰ >
- ۴- بهای ۸۰ حلب بنزین و ۱۸ لیتر روغن برای ماشین جیب ۶۱۶۴ >
- ۵- بهای ۲۴ کیلو میخ ۱۹۲۰ >
- ۶- حواله فرمانده لشکر ۲۰۰۰۰ >
- ۷- حواله ستاد تیپ بمقتضی تجار ۲۹۰۰ >
- ۸- برای مستعدان و غیره ۴۶۶۷ >

۲۳۰۶۶۶۶

بقیه وجوه اغانه

بقیه وجود اغانه ۱۱۵۵۷۹ ریال  
این بود باقی مانده معلوم نیست نزد کیست چرا تاکنون نگهداری شده و چرا تا بحال بصرف های لازم نرسیده است

تذکر

اگر میخواهید فرزندان شما آتیه روشنی داشته بتوانند آبرو مندانه زندگی کنند آن هارا به تحصیل تشویق کنید .  
آمار دبستان ها - دبیرستان ها و دانشکده ها نشان دهنده حیات ممالکین شهر ها و مناطق است .  
هر قدر تعداد محصلین زیادتر باشد آتیه درخشان تری را میتوان پیش بینی نمود .  
با فرستادن بچه های خود به مدارس و تشویق آنان به تحصیل بهترین میراث را برای آنها به جای خواهید گذاشت

سپس قوای دولتی وارد گردیدند . این جریان که هنوز تسایید نشده اطلاعات سر بسته است که تاکنون دریافت داشته ایم امیدواریم هفته آتیه نتوانیم خوانندگان محترم را بهتر مطلع گردانیم .

\*\*\*

آقای سرهنگ مختاری از فرماندهی تیپ سفر به سنندج اعضار شده اند . آقای سرهنگ ۲ پهلوان رئیس ستاد نیرو نیز در سنندج و از شغل سابق برکنار شده است .

\*\*\*

بنسبت میلاد اعلیحضرت همایونی جشنی در فرمانداری برقرار و در میدان ورزش محصلین رژه رفتند .

\*\*\*

آقای حسین سجادی بریاست اداره اقتصاد سفر منصوب شدند که سابقه به سوابق آقای حسین سجادی آشنائی دارند ایشان را کارمندی صالح و جدی میدانند . امیدواریم در سفر نیز هلیات ایشان این اظهارات را تایید نماید .

عطیه ملوکانه

در نتیجه سفرهای آقای دکتر معاون نماینده کرمانشاهان و عرض توضیحات لازم در اطراف نواخس بهداری استان پنجم به حضور ملوکانه و استمدای محل توجه بان استان اعلیحضرت همایونی مبلغ پانصد هزار ریال منظور تکمیل و رفع نواخس بهداری خورشید کرمانشاه و سایر موسسات بهداری آن منطقه اعطا فرمودند که تحت نظر آقای دکتر معاون بصرف لازم برسد ضمناً از طرف اعلیحضرت بوزارت بهداری دستور داده شده است که برای اصلاح امور بهداشتی آن منطقه اقدامات کافی را هر چه زود تر بعمل آورند .

وقایع آزارات

۲۹۰

محمد امین اظهار میکند محل چادرهای مارانظامیان ترک اشغال کرده اند برای زن و بچه و احتشام غیر مه دور است خودم یا کلیه مردان مسلح تحت فرمان هستم هر چادستور میفرمایید برویم .

یاور فتح الله خان میگوید باید حتماً بازن و بچه و احتشام حرکت کنید معدامین جواب میدهد زن و بچه را نمیتوان بیجهت هدف گلوله دشمن فرار داده تلفشان کنیم در این گفتگو یاور فتح الله خان هفت تیر خود را کشیده محمد آقارا در میان چادر های خود میکشود خود بناخت مراجعت میساید .

آدمهای معدامین آقا که همه مسلح بوده اند با احترام دولت بطرف یاور و نجات اوحی یک تیر هم غالی میکنند فقط سواران چریک را که فرعونت او بوده اند گرفته خلع میسایند .

خالد آقا از قزیه مطلع میشود در نزدیک جنازه برادرش کاغنی فرماندهی ما کوبه بنویسد و در آن اطفا میساید برادر من اگر کشته شد قربانی اعلیحضرت همایونی بوده چون ایل بقتلان خود بر میگردد تقاضا می کنم مخالفت نفرمایند .

شب ایل بار میکند و راه بقتلان را پیش میکشد (ایلات دهریت و عودت بقتلان اصولاً شهبازرکت میکنند روزها را استراحت مینمایند و احتشام خود را بچرا میفرستند )

زودیک نصف شب داخل تنگه کاجوت میشوند . پست نظامی تقویت شده کاجوت که در وسط تنگه روی قلعه تپه تاسیس شده بود یلر

مورد شلیک گلوله های خود قرار میدهد . تفنگ داران ایل هم به پست نظامی حمله برده نظامیان را با انفرش گرفتار و خلع سلاح مینمایند و بدین ترتیب راه باز و از جلو ما کوه گذشته در نزدیکی قریه ملاهالی چادر میزند .

یاور فتح الله خان باین ترتیب شش شوم خود را اجرا و با عشقش کردن ذهن فرماندهی لشکر و ستاد ارتش خدمت قابل ملاحظه ای به ترک هانود .

روز دیگر این خبر تاسف آوره آزارات رسید برای خانه دادن باین واقعه اسفناک فرمانده کرد با چند نفر از روسای بزرگ آزارات میان ایل جلالی آمده افسرو نظامیان گرفتار شده را آزاد و اسلحه های دولتی را با آنها مسترد میدارد و برای حل قضیه و خاتمه دادن باین پیش آمد به فرمانده لشکر وقت سر لشکر حسن خان مقدم اطلاع میدهد که راجع باین موضوع هر چه میل و اراده دولت است و هر قسم می خواهند در این باب تصمیم بگیرند اطلاع دهند تا دستورات دولت از طرف فرماندهی کرد به موقع اجرا گذارده شود

برسر این واقعه موسی ابراهیم نام رئیس ایل ساکنان ایران که با ایل خود در جوار پست نظامی ایران در آی بی چادر زده بود برای خود شیرینی واپرتی بفرمانده لشکر آذربایجان نوشته اظهار کرده بود:

«سواران آزاراتی میبای حمله بیست سرحدی ایران میباشد ۲۰ هر چند فرماندهی لشکر آذربایجان در نتیجه نجر به چند ساله از افکار و مقاصد آزاراتیها اطلاع تامی داشت و باین پایه و سرامی ها نمیتوانست اهیتی بدهد ولی احتشام میرت موسی ابراهیم از طرف سلطان محمدخان رئیس پست سرحدی آی بی و ادار بنوشتن این را بپورت گردیده سلطان نامبرده هم برای تکمیل نمودن نقشه یاور فتح الله خان دستوری از مانوق خود همان یاور گرفته باشد .



بشم آقای سلیمان یونسی لیسانس حقوق

# گرمانشاه متروک

-۷-

پس از تیرگی روشنی گیرد آب

بر آبه پس از تیره شب آفتاب  
در تخمه سلیمانیه مسطور است  
در عامل باید شبانی باشد نگاهدارنده نه  
گرگی باشد درنده و مرهمی باشد در زخم  
دلریشان نه ناوگی بر دل درویشان  
ولی جای تاسف است که افعال و افعال مطبوعه  
حاکم ما به پیچ و پیچ مشابهتی با این سخن  
ندارد و گذشته از عدم حمایت ضعیف بقدری  
در اجاعاف و زور گوئی نسبت به مظلومین  
و طرفه‌ازی از ظلمه زیاده روی مینماید  
که هر روز از اقصی نقاط ایران بخصوص  
در محلهاییکه مجاور مرزند ( مانند قسر  
شیرین - کرند - سرپل زهاب و غیره )  
صدای ضجه و ناله هزاران بیگناه تیره بغت  
و بی‌پناه و ستم‌بده بلند میشود و تار و پود  
وجود هر شونده را مرتمش می‌سازد . و  
بی اختیار اشک تاسف از چشمانش فرو  
مینوا برسد که در اثر تجاوزات دشمنان  
داخلی قصد جلائی وطن را شایسته . این  
مردمان مفارک و مظلوم فرستگیا از مرکز  
فردن و بقدری در تنوش روزگار میگردد  
و بانه از از حکومت مرکزی مایوس  
هستند که با صدای بلند می‌گویند: انسانیت  
نیست عدالت حرف است - آزادی در  
این است که هر اجام کعبسته بر جان و مال و  
ناموس بکشت ضیف و نا توان مسلط  
شده و افراد ناتوان را بکلی از هستی ساقط  
کرده و با خاک هم یکسان نماید .  
متاسفانه ناید متذکر شد این بد -

اکنون راه اصلاح این است که دولت  
در تعیین مامورین خدمتگذار و صادق در  
تمام ادارات مرکزی همت گماشته و دامنه  
این اقدامات را بشهرستانها خاصه در مرز  
ها توسعه داده و وسایلی فراهم کنند که  
رابطه مردم با یکدیگر از روی عدالت  
اجتماعی و بقنضای قوانین شرع مطهر  
نیوی برقرار باشد و مصالح فردی را در  
ضمن مصالح اجتماعی تامین نماید . زیرا  
در جامعه که در آن قوانین مستحسن و  
عادلانه رعایت نشود و همیشه مصالح  
فردی بر مصالح اجتماعی بچربد حال او همین  
است و ادامه این اوضاع موجب یاس  
خدمتگذاران و تشویق خائنین خواهد بود  
و در نتیجه جنایتکاران بر عرض و ناموس و  
مال و جان مردم قتل و بیچاره و سیه روز  
سر گردان این سامان چهاراسه مینازند .  
گرچه این اوضاع اسف انگیز روزی با رفتن  
دوامی ندارد چنانکه حضرت علی (ع)  
میرماید: **الملك یبقی مع الکفر و  
لا یبقی مع الظلم .**

پس از ذکر این مقدمه امیدوارم که  
خداوند متعال عنایات خود را شامل اهالی  
بیچاره و آواره این مرز و بوم باستانی  
فرموده و گمراهان را بر آه آورد و تیره بغتنان  
را پناه دهد و عیون ملت ایران را از تمام  
مصائب و مصائب محفوظ و معصوم بدارد  
و مرز نشینهای ایران خاصه اهالی کرمان  
شاه را موفق فرماید که به پیچ و پیچ از جاده  
وطن برستی منحرف نشوند .  
باری ز موضوع بسیار دور افتادیم  
اما بمصداق : **الامم فلالهم خود را موظف  
بذکر این سخنان و بلکه وظایف واجبه  
داسته و اینک طبق وعده که داده ایم شرح  
مختصری از حدود جهات اریبه مرزهای  
سابق این کشور باستانی قبر از ظهور اسلام  
پرداخته و سپس دایره بحث خود را برز  
های نعلی مغرب کرمانشاه که از کتاب  
مروهای ایران استخراج شده میکشاییم .  
مدتی این مثنوی تاثیر شد  
مدتی بایست تا عیون شیر شد**

## حدود مرزهای ایران در زمان

**هخامنشیان**  
از شمال بخت های سکاه و  
ماساوت ها ( سیحون و دریای خزر و کوه  
های قفقاز و جنوب روسیه ) از جنوب بدریای  
عبان و دریای تیمی هجا پارس ای می  
( خلیج فارس ) و عربستان وحیه . از شرق  
به هندوستان و حدود پامیر ( پنجاب جزو  
ایران بوده ) و از مغرب دریای بزرگ  
یا مغرب ( مدیترانه ) و ادربایک ( بین -

النهرین و سوریه و لبنان و فلسطین و مصر وقت غربی لیبی و تونس و یونان هم ضمیمه ایران بوده )

**حدود مرزهای ایران در زمان اشکانیان**  
از شمال تا رود سیحون و دریای خزر ( دریای کرکان ) و  
کوههای قفقاز - از جنوب تا دریای عمان و خلیج فارس - از شرق  
تا هندوکش و پنجاب و از مغرب تا رود فرات .

**حدود مرزهای ایران در زمان انوشیروان عادل**  
از شمال بخیال قفقاز و دریای کرکان ( کسپین ) و  
مجرای قدیم آمویه و سیحون - از جنوب بدریای عمان و خلیج فارس  
از شرق تا دهل ( هندوکش - هندوکشها ورود سند ) امتداد  
داشته است و از مغرب مرز های ایران تا رود فرات محدود بوده  
است .

**مرزهای فعلی ایران**  
در اینجا فقط حدود مرزهای غربی کرمانشاه که به بین النهرین  
محدود است از جنوب به شمال از نظر خوانندگان خواهد  
گذشت :

**رود قنبر** - سرچشمه این رود که در محل ( کنگیر ) نامیده  
میشود از کوههای باوند و پورابوان از خاک ایران است در مغرب  
کوه که شوان از مرز گذشته وارد خاک عراق میشود و مزارع و  
نخیلات مندیج و غلزان را مشروب ساخته قریب پده کیلومتر در جنوب  
مندلیج برود خانه بخشان که آن نیز از خاک ایران جاری است ملحق  
میشود و قدری پایین تر بآب نفت پیوسته فاضل آب آن بهو روسیقه  
میریزد .

رود قنبر بنامست عبور از بهاری قریه سوما و از توابع ایران  
رود سومار هم خوانده میشود . بعد از رود قنبر يك سلسله کوه  
بنام کهنه ربه و وره بلند تا حوالی آب نفت روی خط مرزی قرار  
گرفته است .

**چم نفت** - یا آب نفت از کوههای زله زرد در خاک ایران  
جاری شده با آب بخشان از طرف شمال ضمیمه کردیده مقداری از  
وسط البیاب آب خط مرزی است و بعد از مرز عبور کرده در جنوب  
مندلیج داخل رود قنبر میشود .

**رود الووند** - سرچشمه رود الووند یا حلوان (۱) سرآب  
اسکندر بالای قریه زیر آب است ( در اصطلاح کروس آبشار در این  
آومیکویند ) که از دهاته پائین تنگه ریز آب عبور کرده سپس وارد  
قریه پیران میشود و آب های زرده و یاران از طرف راست و آب  
های بشوبه - قلعه شاهین - ذیلان و کنده بز هر کدام در اماکن  
مختلفه از طرف چپ آن ملحق میشود پس از مشروب ساختن جلگه سرپل  
و زهاب و قسر شیرین بسرحد رسیده مقداری از وسط البیاب رود الووند  
مرز ایران و عراق میشود . سپس از مرز داخل خاک عراق جاری شده .  
در محل موسوم بدخل برود دبال می‌ریزد . میان رود الووند و  
فورتو سلسله کوه آقداغ ( سفید کوه ) واقع شده که خط مرزی از  
فله آن عبور میکنند .

**رود قورتو** - از کوههای دالاهو سرچشمه گرفته وسط  
البیاب موسوم به تنک حمام تا مسیل دیگری که از شمال سلسله کوه  
آقداغ داخل آن میشود مرز ایران و عراق است و از آنجا بست  
شمال غربی سر کرده برود دبال می‌ریزد و در میان رود قورتو  
ورود جیسان بترتیب کوههای آهنگران و بزینان واقع شده که از  
کوههای مهم سرحدی و مقسم البیاب جلگه زهاب و جیا سرخ و  
تشکیل میدهد .

(۱) در کتاب حدود العالم در مسالك و ممالک ( با اصطلاح ) روزه  
جنرانی که در سنه ۳۷۲ هجره ( تقریباً سی سال قبل از شاهنامه ) تالیف  
شده است حلوان یا ریز آب حاله را بنظور تعریف می‌نماید: « حلوان  
شهری است بسیار برست ( ذال بجای دال استعمال شده ) اندر میان وی  
همی گلردازی انجیر غیزدگی خشک کنندو بهسجا بیرته » از این  
بخت معلوم میشود که در حدود هزار سال قبل هم مانند امروزه انجیر  
ریز آب معروف و به اقصی نقاط هم حمل شده است .



از سمندج

بقلم آقای عباس آزاد پور نماینده نامه کوهستان

## چگونه در کردستان از مردم سلب آزادی میشود؟

چگونه آزادی مطبوعات و وسیل احسانات را سلب میکنند؟

جناب آقای دکتر اردلان

سرگذشت ذیل هر چند ملخص است لیکن بلاحظ اطلاع مردم از جریان قانون دو نواحی مختلفه کشور آنرا امر بدیع فرمایید شاید مقاماتی را بفکر اصلاح وادارد.

تذکرات بی‌غرضانه و مبین پرستانه روزنامه کوهستان در دل مخالفین آن کینه شدیدی تولید کرده بود بنوعی که دهر محلی همیشه و کم و بیش در اطراف این روزنامه گفتگو میشده معلوم نیست علت این انصاف کتبی چیست؟ چرا نمی‌تواند ببینند که در مقابل داد و فریاد صدها روزنامه - مجله و بنایه مرکز که هر روز در اطراف اصلاحات نظریات تازه ابراز میدارند و وضع زندگی و ادارات مرکز را مورد حمله و انتقاد قرار میدهند کسی در مقام کینه‌ورزی و عناد با آنان نیست و عداوت بر علیه آنها به تبلیغات مضر اقدام نمی‌کنند هزاران ناله و فریاد از حلقوم جراید مرکز راجع به کندی ویدی جریان اوضاع و بنگوش مردم میرسد و از طرز زندگی و کار ادارات در تهران کله میکنند و حال آنکه بدون تامل و دقت ملکت میشودیم که زنده نمی‌در مرکز با کردستان طرف نسبت نیست زیرا استفاده از حقوق بشری - مزایای دموکراسی و بهره‌مندی از قانون و مقررات برای مردمان آنجا فراهم و عملی است و باتمام این تمامیل مردم شکایت می‌کنند و اما در کردستان ۱۱۱ موجب اینکه برخلاف عادت بعضی از عناصر خودخواه که نمی‌توانند فکر کنند غریب باید دست و پا بزنند و مستتر برای گرفتن ثمره بیشتری از حیات ناچار تبلیغ میشویدیداری مدبر کوهستان و طرفداری و خواهان بودن رفیع ظلم او را طوری جلوه داده‌اند که مردم را بقبول سیستم ظلم و ستم هیشکی راضی نگه‌دارند. از طرف دیگر ما کردستانیهای مجروح از هر چیز حق کله را از جراید مرکز خواهیم داشت زیرا بقدری از دفاع ما خودداری می‌کنند که اغلب شکایات حقه و تلگرافات ما را حتی در صفحه آخر خود دوج نمی‌کنند مثل اینکه از دهها تلگراف و مکتوب شکایت چندین روزنامه برای نمونه در یکی از آنها بنظم مادرج نسب کرده و حال آنکه تهاوسیمه شینهن نظلمان فقط مطبوعات خواهد بود.

روزنامه کوهستان در هر کوتاه خود بسیار مورد استقبال و اعتقاد قاطبه اهالی واقع گردیده مامورین ناسالحن که انتشار آنرا در تزلزل مقام خود صریحاً قاطعی دانسته و معطنش بودند که مبارزه با او

مشکل است دست با اقدامات ضد اشتباه آن زده و عرصه‌ها برخواستگان بقدری تنگ گرفتند که مثلاً در سردشت مطالعه آن علاقه‌مندی شد دوسقز و بانه نیز حتی - الکن خواننده گان آنرا دقیقاً مورد توجه قرار دادند - در داخله لشکر کردستان طرفداری از این روزنامه جرم بزرگی بود اگر کسی آنرا مطالعه میکرد دست مورد ملامت قرار میگرفت حتی انسری را سراغ دارم که از ترس بنام دیگری مشترک گردیده و وجه اشتراک را خود پرداخت انسری را بنام مغایره تا گراف تبریکه انتشار کوهستان تحت تعقیب دادگاه قرار دادند سر باز و طبله‌ای که کوهستان وادر کردید و ستاد قرائت کرد بوسیله سرهنگ دومی روزنامه از دست او گرفته و پاره گردیده و بجزم هم ملاحیت از ستاد بسف منتقل گردید.

دراوایل مرداد سرهنگ آبرم با زوس لشکر مدتی در پاره کوهستان با اینجانب مذاکرات سرسام آوری کرده پس از یک سلسله مذاکرات عجیب گفت‌وگوهای خوب کار نمی‌کنند و هر یک نظر بخصوصی دارند. در این موقع نطق مستر ترومن رئیس جمهور امریکا را بیاد آوردم که گفته بود :

عموم روزنامه نویسان در نظر من محترم و معززند همه را یک چشم نگاه میکنم همه را اعم از موافق یا مخالف دوست میدارم \*

تذکرات پشت سر هم و مصلحانه روزنامه بالاخره مخالفین را سخت به تکاپو انداخت ناچار شده بهر قدرتی بود انتشار آنرا جلوگیری نمایند ولو اینکه با تقاضای

حکومت نظامی بایده اما باید اذعان کرد که کردستان بگونه آمار جنحه و جنایات دادسرا و مقایسه آمار امور جزائی آن با سایر شهرستانها بی‌شکست امن‌ترین شهرها میباشد. اما نقشه اصلی میبایست عملی کرده گرچه به بد نامی شهری هم تمام شود. هدف را باید در نظر گرفت !!

من نسیخواهم از شهر و عشق‌به‌ایم خیلی تمریف کنم لیکن قضایای شهر بود و امانت‌داری مردم سمندج ثابت نوبه در همان حالی که بزرگترین مامورانتظامی قادر به ابراز شهامت نبود و در همان وقتی که مامورین هر یک بنوعی ۱۱ از شهر خارج میشدند نه تنها اهالی محل در امان بودند بلکه جان و مال و حیثیات غیر محلی‌ها نیز به‌بترین وجهی در محافظت گردستاینها

قرار گرفت و الحق دوا این موود کمال مردانگی و تدن خود را بهی ثبت کردند.

خلامه با علم بسوابق و احوال مردم برای تشدید فشار بردوش ناتوان مردم کردستان و استفاده فریزه نجابت آنها فرمانداری نظامی از تاریخ ۱۹ ۵۰ ۲۴ اعلان گردید. ۵۰ آگهی منتشره این جمله دیده میشد مطابق مقررات از ۱۰ ۵۰ ۲۴ در شهرستان سمندج حکومت نظامی (بدون ذکر تعویب نامه هیئت وزیران) برقرار میشود \*

سرهنگ آبرم فرماندار نظامی دستار لشکر و اطلاق با زوسی با استفاده از اندیکاتور لشکر شروع بکار نمود.

### اولین طلیعه او با توقیف شماره ۲۴ کوهستان نمودار

پس از مدتی که اینجانب بر حسب ضرورت بفراه شرقی کردستان رفته بودم در مراجعت بلافاصله از طرف فرماندار نظامی احضار شدم. هنگام ملاقات رسا ناراضی خود را از روزنامه اعلام داشته تقاضای سپردن آزادی نمود که کوهستان بدون نظر ایشان منتشر نشود. بهر دلیل ویرمانی متوسل شدم که بایشان حالی بنایم هر گاه روزنامه مخالف مصالح کشور چیزی بنویسد در مرکز مملکت که ملاحیت تشخیص این قضایا را دارند اقدام بتوقیف بعمل خواهند آمد و آنجا بهتری می‌تواند در این امور رسیدگی کنند ممکن نشد. منظور و هدف معلوم و مشخص است آلهم عدم انتشارنامه کوهستان \*

آقای سرهنگ آبرم فرماندار نظامی از دوستان حرف شنو سرتیب هوشنه افشار و درغیاب او پسادگان سمندج را با شغل با زوسی لشکر اداره میکند. ایشان مدتی نیز بجای سرهنگ صامی فرماندهی پادگان سقز و خورشوره را داشته و در پانز ۱۳۲۳ برای جمع آوری مشولین و وظیفه بقدری مردمان غیر سر باز را بعدست سر باز خانه کسبل داشت که در اثر شکایات متعدد به آقای نجیبی وزیر مشاور وقت ناچار بوسیله کمیسیون دی فرمانداری اغلب را از خدمت مرخص کردند.

منظور از تذکر حقایق فوق این است که وزارت جنگ انسری نظر و غرضی را بفرمانداری نظامی منصوب و شخص اعزامی از مرکز را که باین شغل می‌گمارد کسی باشد که حفظ مقررات و قوانین را مقدم بر بر آوردن خواهشها بداند و کار و محل فرمانداری نظامی را با کار لشکر از هم تفکیک و تشکیلات و اجرائیات آنرا امر باصلاح فرماید. ضمناً با زوس و دادستان و قضات آنرا طوری انتخاب کنند که شهامت قضائی داشته و درمشت و اراده فرماندار نظامی باشند زیرا هر که قوانین را نمایندگام ملت برای موارد فوق العاده تصویب کرده و اجرای آنرا بفرماندار نظامی می‌سپارند دیگر مجوزی بدست اشخاص نمی‌دهند که با بر روی اصول اساسی و واین جزائی همان کشور بگذارند و آنها را مجاز بامر حبس و داخل شدن در خصوصیات زندگی اشخاص نخواهد کرد که همان صلاحیت قانون با زوس یادادستان را دارا باشند و بمیل خود در شب و در غیبت صاحب‌خانه داخل منازل شاهه افسرانیکه سمت قضائی ندارند بخواندن اوراق خصوصی و قهض منزل مردم پردازند.

در کجای قوانین ایران با مسالک متدین بحکومت ملاحیت خواندن اوراق تصرف در پرونده جزائی و اعمال نفوذ با زوس با دادستان میدهند.



بنام آقای محمد مردوخ (آیت الله کردستانی)

## گرد و گردستان

-۲۲-

سنه اردلان

## حکومت خان احمد خان ثانی اردلان

خان احمد خان پسر ارشد کلبلی  
خان پس از فوت پدر در سنه (۱۰۸۲) هجری بر حسب فرمان شاه سلیمان صفوی پسر شاه عباس ثانی بر جای پدر نشسته و لاجسک بپای سلطنت داری و فرمانفرمائی شروع به پاشی و بساده پیمائی نموده و در بلبلو بخشش پادشاه در سرحد افراط و تفریط واقع شده اند در قلیل مدتی تمام نفوذ خزانه دفتاری پدر را بیاد داده است. از بسکه مردم سیمو زر میداد مردم او را (خانه زرینه) گفته اند. جز عیش و طرب و لو و لوب بکار دیگری نپرداخته و جز مناه و ملاهی بشکل دیگری تا بیل نداشته است. در نتیجه این لاقیدی اغتشاش و بی نظمی در مملکت درگیر و ظلم و جور و ناامنی در همه جا صومیت پیدا کرده است خسروخان هم پیش هر چه از در تو بیخ و معلامت او در آمده نتیجه نداده بالاخره مراتب را پشاه سلیمان اطلاع داده است. شاه سلیمان در ذی قعدة (۱۰۹۰) حکومت کردستان را به خسرو خان تفویض نموده و خان احمد خان ثانی بواسطه نادانی سند حکمرانی را از دست میدهد.

## (حکومت خسرو خان اردلان)

پس از عزل خان احمد خان صفوی خسرو خان در سنه (۱۰۹۱) به سلطنت و فرمان حکمرانی کردستان نایل شده و توسن اقبالش از قلعه مریوان بسوی سنه دژ شرامیده است. و قتلنا وارد سنه دژ شده غورا خان احمد خان را کتف بسته روانه اصفهان نموده است و خود بالاستقلال پسر حکمرانی کردستان مشغول گردیده است. ولی بیگس انتظار بسا اهالی بنای زشت گومی و درشت خوئی و ظلم و تعدی گذاشته. آتش جورش شعله ور و ناله مظلومین بیه و اختر میرسد ناچار اهالی از دست ظلم و ستمکاریهای او بستوه آمده چند نفر از وجود ملک شایسته حرکت کرده بهاد خواهی رهسپار اصفهان میشوند. شاه سلیمان مظلومین را بمواطف شاهانه نوازش نموده و آنها را نزد خسروخان عودت میدهد که از ایشان استانت و دلجویی کند خسرو خان از این عطوفت شاهانه سوء استفاده نموده کاملاً بیگس او را ملوکانه با آنها معامله و رفتار میکند. و هر یک را بیهانه منگوب و مغذول میسازد و بعضی را هم اعدام مینماید چون شرح قضایا پسر شاه سلیمان میرسد فوراً تیمورخان آجرو را مأمور نموده در سنه (۱۰۹۳) وارد کردستان شده خسرو خان را کتف بسته روانه اصفهان مینماید و خود بر سنه حکمرانی اردلان می نشیند و خسرو

## « اثر طبع حقیقی »

خط و خالت بخدا فتنهائی هند و حبشه  
آفتی دین ودله رونقی ام کوله که شه  
خللی زاپون و حین شورش روم و عجمی  
له سر آشوبه ی زولفت له هموی کشمه که شه  
چاوت اتر گسی شهلاتیه بو هینده خمار  
پارچمت گرشوی یلدانیه بو هینده که شه  
زینت کلمته ارزینی گولنگی شده کت  
گرچی اگر پیچه تزیین اویش و او شه  
ششدری عشقی دو خالی لپی قوم نردی جفا  
کمبی دل بو ظفیری منتظری پنج و شه شه  
به و دوسه شعره حقیقی که له میدان در چو  
تنگه جولان قصه به و توسنی طبقی هاشه  
عزل فوق را آقای مصطفی نژادی از مهاباد ارسال داشته اند

تزلزلش و سواره اردلان میگردد عباس خان زیاد اهلی پس از این فتح تاریخی به نامی قاسم سلطان اورامی منشاء فساد و سبب آمدن سلیمان پاشا را بر اهالی کردستان نهیت بسته شروع بگرفتن و بستن مینماید. جمعی شبانه بغلک ششانی فرار میکنند و جمعی با یکمزارو دو بیست نفر رعایای این سامان را تحت شکنجه و عذاب کشیده پس از گرفتن دارائی آنها همه را پاشاکال مختلفه اعدام و از کله آنتاپیه بزرگی در جلگه مریوان تشکیل میدهد. قاسم سلطان او رامی را هم که منشاء این تفتین نامی بود بقتل رسانید. سراو رامانند مترس روی چوبی نزار داده بالای تپه کله ها علم میسازد (هر کسی آن درود عاقبت کار که گشت) - حالا هم آن تپه باقی است و به کلین کوه اشتیاق دارد همین کوهی که از کله تشکیل یافته است شاه سلیمان از این حرکت و حشیانه عباس خان آزرده شده فوراً او را احضار و لدی الورود باصفهان در میدان شاهی بر چوبه دار می آویزد روز پنجشنبه ۵ ذی حجه ۱۱۰۵ شاه سلیمان بر حث ایزدی پیوسته. روز سه شنبه ۱۴ ذی الحجه همان سال شاه سلطان حسین بر تخت سلطنت جلوس مینماید و در سنه ۱۱۰۷ خان احمد خان از طرف شاه سلطان حسین صفوی از حکومت کردستان مزول و محمد خان پسر خسرو خان مقول به حکومت این سامان منصوب میگردد مدت حکومت خان احمد خان در این نوبت ثانی هشت سال و کسر بوده است.

## (حکومت محمد خان اردلان)

پس از عزل احمد خان ثانی در نوبت ثانی محمد خان اردلان پسر خسروخان مقتول در سنه ۱۱۰۷ بر سنه حکومت کردستان استقرار یافته شروع بتوسعه و تعمیر ولایت مینماید و برای احسانه انتظام و استانت و جمع آوری اسرا و بزرگان که از حرکت و حشیانه عباسقلی خان زیاد اهلی که سابق ذکر او آمده متوحش شده بغلک ششانی آواره و پراکنده شده بودند از طرف شاه سلطان حسین صفوی حسین خان سردار لر مأمور کردستان و آذربایجان و شهر روز شده شروع بسرکوبی اشرا و جمع آوری اخبار مینماید و تا یکدرجه موقتیت حاصل نموده مراجعت مینماید. کلبلی خان اردلان که پسرش جهانگیر سلطان بود همین جهانگیر سلطان اردلان که در صدد احراز مقام حکومت کردستان بود با جمعی از اهالی همدست و همدستان شده در سنه ۱۱۱۳ هجری بر محمد خان حکمران مشورت و از دست او بدر بار شاه سلطان حسین شکایت مینمایند در نتیجه این شورش و تظلم محمد خان اردلان مزول و محمد خان گرچی بحکومت کردستان نامزد می گردد. مدت حکومت محمد خان ۶ سال بود.

خان لدی الورود باصفهان در میدان شاهی اعدام میشود  
(حکومت تیمورخان آجروئی)  
پس از خسروخان اردلان تیمورخان آجروئی بموجب فرمان شاه سلیمان صفوی در سنه (۱۰۹۳) بر سنه حکمرانی اردلان جلوس نموده و این اول کسی است که از غیر طایفه اردلان بواسطه فساد اخلاق اردلان بحکمرانی کردستان نایل میشود این شخص چون اهل محل بوده و با کسی حب و بغضی نداشته است بی اندازه با مردم حسن سلوک بخرج داده و بطوری با اهالی دوستانه و برادرانه نشست و برخاست نموده که همه را نسبت بخود شیفته و بشیدا ساخته است مدت شش سال بیستینوال در کردستان حکومت کرده است و در سنه (۱۰۹۹) هجری مزول میشود.

## (حکومت خان احمد خان اردلان)

## هر تپه دوم

پس از عزل تیمور خان آجروئی دوباره خان احمد خان ثانی اردلان پسر کلبلی خان در سنه (۱۰۹۹) بموجب فرمان شاه سلیمان صفوی بحکومت کردستان و شهر زور مأمور و مراجعت مینماید. خان احمد خان در این مراجعت بجای اینکه گذشته هارا جبران و اهالی را بسور و محبت و داد و عدل دلگرم و امیدوار نماید. باقتضای مثل خوبی بد در طبیعتی که نشست. نرود تا بروز حشر از یاد بیشتر از بیشتر شروع به پیمائی و لو و لوب و دیگر و تجدید مظالم نموده مردم را بار دیگر دلسرو مملکت را مجدداً گرفتاری نظمی و انقلاب میسازد. سلیمان پاشای بابان که بر اوضاع خان احمد خان و اختلال کردستان اطلاع پیدا کرد با جمعیتی از کردو عرب در سنه (۱۱۰۰) هجری حمله بکردستان آورده. مریوان و سنزو او را مان رانسیز و سهراب سلطان حاکم سنزو پسر کلبلی خان حاکم و ابراهیم بیگ دمیر اسکندری. حاکم مریوان را دستگیر و هر دورا بقتل میرساند خان احمد خان مراتب را به شاه سلیمان اظهار داشته و خود را برای دفاع آماده میسازد از جانب شاه سلیمان رسنخان سیهسالار و عباسقلی خان زیاد اهلی «شهبور بیاس خان قاجار» باسیاهی آراسته، باعداد خان احمد خان میرسنه هموما بباب مریوان حرکت کرده در جلگه مریوان تلاقی فریقین بسمل میآید. پس از دوروز جنگ سلیمان پاشا شکست فاشتی خورده متجاوز از هزار نفر از سپاه و اتباع او بقتل میرسنه و کلیه شبه و خوابگاه و مهمات او نصیب



از مجله ۳ لاویژ

سر انبده: فایق زیوه: سلبالی

### د احساسات بکنفر کرده

فیدات بم خاکس کوردوستان • نووئی چه له نسی عه دنان  
له سرتا غوار •  
گول و گولراژ •  
دلی شه مسپار • ه کانه رمان • فیدات بم خاکس کوردوستان

\*\*\*

هه وارگه و دبه نی جوانت • له که رمان و له حکویشانت  
به بیگانه •  
وو گوتانه •  
ته لین کپانه • منم لویشان • فیدات بم خاکس کوردوستان

\*\*\*

به سه بری تو منی مسکین • نه روح دپنه دلم بین چین  
لوی دابه ش •  
له بیو له ش •  
وو حکو آت ش • ه کاجه ولان • فیدات بم خاکس کوردوستان

\*\*\*

به لی • گول غوی که نوینی • بینای هه ستیم هه له رزینی  
بالام وک تو •  
گولیککی نو •  
به ره نگه و بو • نه فوربان • فیدات بم خاکس کوردوستان

\*\*\*

له بیرمه وک شتی مه علووم • منال سووم عاشتی سو بووم  
که ماموستام •  
له ریز داینام •  
وئی ته ی خام • بنو و سه جوان • فیدات بم خاکس کوردوستان

\*\*\*

سه ویش ه بوایه باوه رکه • گل و به روت که موونه رکه  
ه بان کردکیش •  
دلی پر ایش •  
وهک آستکیش • به بی تاوان • فیدات بم خاکس کوردوستان

\*\*\*

له سه رمن نه رزه تا مردن • له وه سفی تو شه یال کردن  
به شیری جوان •  
وه یابه غشان •  
دلی اینسان • بکهم سه بران • فیدات بم خاکس کوردوستان

\*\*\*

به لام بو خره مت گیانه • او میدی من به بیوانه  
ته وان زورچار •  
هه زاران کار •  
هه کن زرکار • به بی دامان • فیدات بم خاکس کوردوستان

### پی شینان و قویانه

- ۱- نان نه ونانه نه م روله خوانه
- ۲- نه چاره کویر بی خه نیمی خوی ناناسی
- ۳- دهم نه بی هاوار کهم لاقم نه بی تارا کهم نه بی زکم  
پروا کهم
- ۴- به قسه ی ساده برسی تیر نابی
- ۵- بیگانه چاکه دوز من نهک دوز منی له خو مان
- ۶- له جی ی شیران ریوی لی ده کن گیران
- ۷- نه پیلاری نهنگ نه خانه ی به جهنگ
- ۸- دولت به سلسله نهی
- ۹- کورد کوردی ناهه وتی
- ۱۰- مندالی به ده رمانان ، نازوا له سر بانان  
چند ضرب النمل فوق را آقی معدن توفیق ووردی از کردستان  
هران ارسال داشته اند.

### آگهی حصر وراثت

بنا به تاریخ ۱۸۸۹ ر ۱۳۲۴ - آقای حبیب الله نایب بوکالت از طرف آفان گلپیان باستاند یک برک گواهی خواهی ورو نوشت شناسنامه داد خواست شماره ۶۱۷۲۴ داده باینکه مرحوم یوسف گلپیان دارنده شناسنامه شماره ۳۱۸۹ صادر از کاشان در تاریخ ۲۴۵۳ در طهران جایگاه هیشکی خود وفات یافته و آقایان آفان گلپیان به شناسنامه شماره ۳۱۹۱ از کاشان و موسی گلپیان به شناسنامه شماره ۳۶۷ از کاشان فرزندان ذکور و بانو سارحی گلپیان به شناسنامه شماره ۳۱۹۴ از کاشان هیال دانسی متوفی و بانوان نوشافزین و مانگی جان و ایران دختران متوفی که در زمان حیات پدر بقره شوهر رفته اند و دوشیزگان قمر به شناسنامه شماره ۳۱۹۰ و خانم شناسنامه شماره ۱۵۵۰ و عزت به شناسنامه شماره ۱۳۹۴ صادر از کاشان که هنوز شوهر اختیار نکرده اند وارث منحصرا میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب ۳ ثبت متوالی ااهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود. با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و بودن مترش بر حسب تناضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه ازم متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس شعبه ۴ دادگاه بخش طهران - مهدی شهزاد  
۳ - ۱

### برای استحضار اهالی محترم سقز

اخیرا که نایب کی جراید به اینجاب رجوع گردیده و هنگام وصول روزنامه ها و مجلات موقه مأموری شایسته برای توزیع در دسترس نهادم از آقایان مشترکین محترم و سایر خریداران تنها بمنابیم در سرای اتحادیه « نایب کی جراید و مجلات » مراجعه فرمایند. بدیهی است در اسرع وقت این تقیعه به نحو شایسته ای مرتفع و تسهیلاتی از لحاظ توزیع برای خوانندگان گرام فراهم خواهد شد.

نایبند جراید و مجلات در سقز - کلاهی

### سنلج

### آگهی

تعداد محصلین دبستانهای این شهر باتوجه جمعیت آن باید بیش از آنچه که فعلا مشغول تحصیل هستند باشد. در کلاسهای بالا تعداد نوآموزان بسیار حکم است. باید از امروز درصد رفع این تقیعه بود. راه عملی آن سعی در افزایش نوآموزان کلاس اول است.

چون با رسالتی که فعلا در اختیار اداره فرهنگ میباشد میتوان چندین کلاس اول دبستانی دایر نماید بدستانها دستور داده شد که تا آخر مهر ماه داوطلبان تحصیل در کلاس اول را بپذیرند و بعض اینکه عده آنها بعد از لازم افزایش یافت بشکلی کلاس علیحده جهت آنان اقدام نمایند

اکنون انتظار دارد که عموم اهالی محترم متصوما روشن-فکرانی که در فکر آتی فرهنگ کشور هستند با راهنمایی و تشویق و مساعدتهای لازم در راه انجام این منظور کوشش نمایند.

رئیس فرهنگ فرهنگ سنلج - حبیبی



### نامه‌ها و تگرافات وارده از تهران

از سقز

آقای جعفر حدادی شرح مفصلی راجع به غریب کردن خانه‌اش نوشته و پس از این که جریان آن و چگونگی اعمال نظرهای که در اینکار شده و بالاخره بجای رسیدگی خود او را توقیف و به قید کفالت آزاد ننموده اند نوشته تقاضا نموده است که به پرونده ۲۴/۷۰ دادگاه مستندج ۲۴/۱۷۷ دادگاه سقز رسیدگی بطرفه بشود

#### تگراف از همدان

مقام وزارت کشور میتا رونوشت فرمائهی ژاندار مری کل کشور تیسار سرتیب خسرو پناهم رونوشت دادرسی کل ارتش کیه روز نامه کیهان کیه نامه کوهستان -

چندین دادخواست متوالی از تمذیبات و حرکات شرم آور ستوان یکم مجنهدی و ستوان یکم هجران دستوار شرمی فرمائدهان دسته قروه سنقر و مکلان که برای اغاذی و گرفتن پول حیثیات و شرافت چندین ساله بنده را دستخوش هوا و هوس و اغراض نموده و دو فقره پول نقد که یک فقره ۳۶۲ تومان با امانت از اهل خودم و فقره دیگر هفتصد تومان که عبدالعزیز گاشته ام برای خرجی بنده به مستندج میا آورده و در هنگام زائد او میا او را لغت و پنج روز هم بدون مجوز قانونی محبوس داشته بودند تقدیم داشته پرونده امر که وسیله سرکار سرگرد شریز و پور و اوس مرکزی هنگ ژاندار مری گردستان تشکیل و بخواهی اظهارات حق بنده ثابت گردیده است با این حال دوامه میگردید هیچ وجه ترتیب اثر و نتیجه مشهود نشده و بعکس ژاندار میا بدون واهمه اسبابهای خارنی را در بازار میفروشد.

گویا افسرهای نامبرده بخواهی درک کرده بودند که کسی بداد اشخاص نیوسد که باین گستاخی و شدت ظلم و ستم خود را بر مردم بیچاره روا میدارند و الا چگونه

مجلس شورای ملی - رونوشت و وزارت فرهنگ رونوشت جراید اطلاعات - هراز خاور - کیهان - آهن - کوهستان - داد - ایران نو - ایران - مجله زبان - اگر واقعا ملت و دولت مصمم به ترمیم و تجدید اوضاع فرهنگ هست چرا معایب اساسی و روشنی را که موجود است از میان بر نیندازد آیا انتظار دارند با پیشوائی یک پیر مرد خرافی بی سواد که دست ریاست تعلیمات حومه را در دست دارد ده هزار اطفال این حومه تعلیم و تربیت شوند و دانشمندان آینده باشند شخص لاریجانی رئیس اداره آموزش حومه خود حتی چهار عمل اصلی و قرائت رسمی را بلد نیست و هنوز هم افکار خرافی قدیم را در ذهن کودکان تریزین مینماید آیا سزاوار است با بودن عددا لیسانیه بی کار این مرد خرافی این پست حساس را با افکار پریشان خود مشغول بدارد.

از طرف دوستداران بهشت فرهنگی هوشنگ محبوب - احمد جاوید

#### از سقز

آقای ع. روانشناس مقاله ای ارسال فرموده اند که باین شرح شروع شده سحر با مجرمه پولو زنده دل خوش دار سامری که بکسیکه دست از زید میباید مطالب درسی نوشته شده بود ولی درج آن مقدور نشد و چون آدرس آقای ع. روان شناس معلوم نبود نتوانستیم علت درج نشود را برایشان بنویسیم. امیدواریم از چاپ نبودن آن یوزش مارا بدریغته و احساسات پاک و بی آلاش خود را در همچنان برای خدمات عمومی بکار برند.

### الفبای آسمان

a	زبر	o	ا	س	س.س.س
â	آ - عا	j	ی	w	ش
b	ب	k	ک	t	ت ط
c	ج	L	ل	u	او
ç	چ	m	م	v	و
d	د	n	ن	x	خ
e	ذبر	o	پیش	y	ی
f	ف	p	پ	z	ظ - ذ - ز
g	گ	q	ق - غ -	ô	و ا و مجهول
h	ح	r	ر	ê	همزه باع ساکن
				é	مقابل متحرک
					یا متحرک
					مقابل ساکن

(۱) علامت حلف برای حفظ و نسیانیدن اصل مانده

کین جهان k' aztozto k' incahân

اینک یک جمله با الفبای آسمان ذیلا نوشته میشود

این الفبای آسمان بزودی در سراسر ایران رایج خواهد شد شما هم سه جمله کوچک اخلاقی با هر دو خط نوشته بفرستید تا بنام شما درج گردد.

In alefbāye āsmān bzūdīdar arāšare īrān rayec

kahad wod wcmū ham se comlaye kuçke aXlaqī bahardō katt hāwewta bfrēstīd tā bnāme womā darc gardade.

میتوان باور نمود که یک فردی از افراد کشور از تمذیبات و عظم و سفاقری که حافظ شتون مردم اندک این صراحت لجه داد خواهی نماید و نتیجه هایش نشود. اگر چنانچه برایش بنده توجیه نشود و افسرهای ما کور تحت تعقیب دادگاه واقع نگردد باید گفت که اشخاص مطاوب پرونده با تقدیم نداشتند که طالما به این قبیل مامورین را بوسیده و قدرش میخواهیم. عبدالله قبادی از سقز کلبانی

#### محل اداره: خیابان پهلوی

روبروی کوچه مر یضخانه وزیری تلفن ۸۵۴۹

چاپخانه وزارت کشاورزی

#### تصحیح

در شماره گذشته در قسمت وقایع آزارات چند ایشام رخ داده بود از عوانتدکن ارجند تقاضا میشود بشرح زیر تصحیح فرمایند

۱- در صفحه ۲ در سطر دوم قاش برون صحیح آن برون رش است.

۲- در صفحه ۷ ستون اول اینطور است: «پس از شکست کلی زبان عده ای از زن و بچه های کرد وارد میان ایل جلالی از اتباع ایران شد. این ایل در این موقع در بیلاق های خود واقع در منطقه اوه جن و در خط سرحدی ایران و ترک بود.»

۳- در آخر همین ستون بجای «مدافعه نکرد» «اقدامی نشود» صحیح است.

اطرافیان حسوی ایوب بداخله برداختند. بعدای تیر عده ای سوار کرد جمع شده داخل خنک گشته بقوای دولتی شکست وارد آوردند پس از شکست نیز از طرف سواران کرد تعقیب شده و بالنتیجه عده ای خصوصاً از چریکها کشته شده بجای مانده.

روستای آزارات باز وساطت کرده جلوی ایل خلکان را گرفته اطاعت این ایل را بقوت تامین نموده ولی باید گفت که اطعمیان ایل بدوات بکنکی سلب شده بود.

این وقایع که به پیچوجه مسئولیتش متوجه کرده ایم معلوم نیست بچه شکل باولهای دولت گزارش شده بود که کرد ها را عموماً در نظر دولت شاهنشاهی ایران باغسی قلداد نموده مساعدت اعلیحضرت فقید را بقوای نظامی ترکیه در نایبوی آزاراتی ها جلب و جامعه عمل بوشانید.

خاله آقا از ریاست ایل جلالی خارج و پسر بزرگش عمراً بجای پدر ریاست ایل را عهده دار شد. مشارالیه عنوزاده اش حسن خاله و پسر دیگرش مصطفی را برای اظهار صداقت نزد امیر لشکر اعزام داشت مصطفی را فرمانده لشکر بشیریز برده از آنجا با محبت فراوان باز به ماکو آورده و از مراسم دولت امیدوار ساخت.

خاله آقا در شهر ماکو دوستان محترمی داشت همان روز از آنان یکی بمصطفی پسر خاله خبر میداده که امشب قوای نظامی و افراد چریک اطراف چادر های پدر شمارا محاصره نموده خاله آقا را زنده یا مرده بدست خواهند آورد.

مصطفی فوراً از ماکو حرکت کرده بمنزل پدر رسیده او را از قضیه قوای نظامی آگاه میسازد.

خاله آقا شب با چادر های اطراف خود تغییر مکان میداده زیرا بغیر دهنده اعتماد کاملی داشت.

پسر عمویش حسوی ایوب که چادرهایش عقب تر از خاله آقا در جوار اسپخین بود باین اخبار باور نکرده شب از محل خود حرکت نکرد اطلاع مخبرین صحت داشت. شب هنگام عده ای از قوای دولتی مرکب از نظامی و چریک حرکت نموده چون محل چادرهای خاله آقا رسیده و آنرا تغلیه شده دیده بودند پیش رفته اطراف اولین چادرها را که متعلق به قسمت حسوی ایوب بود محاصره نمودند.

صبح زود حسوی ایوب در مونی که میخواست احشام را حرکت دهد در میان چادر ها مورد شلیک واقع گردیده هدف گلوله قرار گرفته جان سپرد.

در این شلیک که بطرف چادر ها شده بود زن برادر خاله آقا نیز کشته شد.



# کوهستان

## اقدامات اداره کل غله و نان

در مورد سوء استفاده های مامورین

آقای مدیر محترم روزنامه هفتگی کوهستان

در شماره ۳۱ مورخ ۳۰ مهرماه ۲۴ آن جریده راجع به عملیات مامورین غله و نان گردستان شرحی نگاشته شده است که جا داشت مخبر آن روزنامه قبلا به ادارات مربوطه مراجعه و با اطلاع از جریان امر چنانکه بندکر و انتقاد ضرورتی حاصل میشد خاطر نشان میفرمودند.

اینک برای روشن شدن موضوع مراتب زیر را اعلام میدارد خواهشمند است دستور فرمایید بدوچ آن در روزنامه کوهستان مبادرت نمایند.

بر اثر وصول گزارش مربوط به تخلفات بعضی از مامورین اقتصادی گردستان دو نفر بازرگانی بلادرنگ بعمل اعزام گردید عمل بازرسی بنحو مطلوب انجام عده از کارمندان متنفذ و متمسکین مشغول که اتهام متنبه آنها با مدارک و اسناد لازم معروض شده پرونده آنان تکمیل و برای تعقیب قانونی بدیوان کثیر ارجاع گردید. ماست نسبت به چند نفر دیگر که در شهرت در محل نداشتند و عملیات آنان مورد سوء ظن بوده ولی مدارکی از تخلفات آنها بدست نیامده دستور داده شده از نظر تقلیل سازمان بخدمت اشخاص مربوطه خانه دهند ببلاده چون رئیس اقتصادی سفر نیز مطابق نظر بازرسی های اعزامی در اتهامات متنبه شرکت داشت لهذا طبق حکم سازمان اقتصادی دولت رئیس مربوط تحت تعقیب کیفری قرار گرفته است.

### رئیس کل غله و نان - صفاری

**کوهستان** - منظور ما از انتقاداتی که میشود بطور کلی اصلاح است و هرگز کوچکترین نظر خصومی بکار برده نمیشود موضوعی هم که راجع به عملیات مامورین غله و نان گردستان در شماره ۳۱ نوشته شده بود از همین لحاظ بود زیرا مردم باعلاقه ای که به کشاورزی و راه نمایی بازرسان اعزامی نشان داده بودند انتظار داشتند بروی از شرفه های نامالح غلام شوند و چون حصول نتیجه قدری بطول انجامیده بود در محل نتیجه نمکوس هاید شده بود یعنی باره ای از آن ها جری تر شده بیشتر بریش مردم میخندیدند از اینرو لازم بود مردم استحضار حاصل نمایند که عملیات بی رویه مامورین در مرکز نمکس خواهد شد و در تعقیب متخلفین کوشش بعمل خواهد آمد البته انتظار ما هم این بود که اداره غله و نان که تحت نظر اشخاصی شایسته و با کدامن مانند آقایان صفاری و مشار و بازرسی آن اداره که تحت نظر آقای آشتیانی اداره میشود هم برای رفاه حال مردم وهم برای نظم و ترتیب اداری که تحت سر برشی آقایان اداره میشود وظایف قانونی خود را انجام دهند. بسیار خوشوقتم از اینکه گزارش بی غل و غش بازرسان اعزامی آقایان صالحی و راسخ مورد توجه واقع شده و پرونده های مشکله مراحل اولیه خود را پیوسته و دستورات جامع و بسیار مناسب و منطقی در مورد کوتاه نمودن دست ناباکان صادر گردیده است.

اگر سایر ادارات دولتی هم همین نحو بدون هیچگونه ملاحظه با اعمال نظر خصوسی و ظایف خود را انجام دهند فلما طولی نخواهد کشید که این وضع خراب مملکت ما روی بهبود خواهد رفت.

با ابراز خوشوقتی از حسن نیتی که اداره کل غله و نان در این مورد بهرچ داده انتظار داریم از تشویقی که نسبت بازرسان اعزامی نیز میدول داشته اند ما را مستحضر فرمایند تا بتواند خود آنرا هم منعکس نموده تا مردم بدانند در مقابل حسن خدمت هم تشویقی در میان هست و اگر بازرسی بنطقه ای اعزام شد و توانست از بول صرف نظر بکنند این گذشت مادی او و این عدم انحراف از طرف روسا و ادارات مربوطه جبران خواهد گردید.

از آنجائیکه ما منظوری از تذکر جز اصلاح نداریم از چاپ بقیه مطالبی که راجع به سوء استفاده های مامورین غله و نان در گردستان تهیه شده بود صرف نظر نمودیم زیرا اغلب نکات مورد بحث در پرونده های مشکله منعکس گردیده است.

## کابینه جدید و کشاورزی

بقیه از صفحه ۱

**در کار شما و مقام شما چندان تأثیری نذاشته بعبارت آخری میگوئیم شما میتوانستید با آن شروع تا آخر عمر در هر کابینه وزیر کشاورزی باشید.**

ولی پس از آن وزارت و چندی بعد پیش آمدهای آن وجه اولیه شما را از میان برد بطوریکه حتی شما بعضی چیزها هم خراب کردید و مدتی شمارا دچار مغصه نمودند

**هیاست این پیش آمده شود لاشما متوجه کار خود باشید.**

شما در آن دوره اول وزارت اشخاص نامالح و بدنامی را بکارهای حساس - گذارید آنها سوء استفاده های کردند و هرچه هم دیگران شما تذکر میدادند باور نمیگردد ولی آنها با سوء شادردی مینمودند و از نجابت شما سوء استفاده میکردند لازم نیست در اینجا نام کثیف آنها را ذکر کنیم شما خوب آنها را میشناسید آنها بودند که اسباب بدنامی شما فراهم کردند تک اعمال آنها بود که بر دامن شما نشست.

**ولی امروز وزارت امروزه شما با وزارت چندی قبل متفاوت است شما اثر آن تجارب تلخ آنها را شناخته اید و نتیجه عملیات سنگین آنان را دریافته اید ببلاده بوزارتخانه ای وارد شده اید که از هر حیث برای شما تازگی دارد اگر در همان نزدیکی اطلاق خود بدقت وزارت و با کارگزینی سری بزیاده قیانه های تازه و هیکل های نو ظهور خواهید یافت همین بازید اول شما نشان خواهد داد که این دفتر آن دفتر سابق نیست بقیه ادارات هم کم و بیش همینطور است بنا بر این شما با این هیکل ها و قیانه های ناشناسی که قلمنا ظاهران با باطن متناسب نیست و هر کدام از سر چشه ای آب میخورند می توانید با اطمینان کار کنید.**

**اقدام اولیه شما مقاومت در مقابل تقاضای عناصر کثیف بدنام سابق است**

بویج قیمت و بهیج بهانه نباید حتی بکنفر از آنان را بیست حساس بکنمایید اگر گماشته بسر نوشت دغه قبل شما و وزارتخانه را دچار خواهند نمود.

**اقدام ثانوی شما گماستردن اشخاص کاردان بکارهای حساس است.**

تهراسید از اینکه فلان آقا که فلان پست را دارد اگر بر کنار شود فلان و فلان و کیل خواهند رنجید شما او را بردارید بکنفر شایسته و درست از همین تحصیل کرده ها بجایش بگذارید همان حسن انتخاب خرد کننده دعان آن و کیل نامالح است.

اگر این دو اقدام را در شروع کار دو نظر بگیری میتوانید اطمینان داشته باشید نیب تحصیل کرده وزارت کشاورزی پشتیبان شما بوده و همان نیروی جوانی - حسن فداکاری - علاقه و صبیت بی آلاش و قابل اعتماد آنان موثر ترین قدرت برای پیشرفت کار و اصلاحات شما خواهد بود.

در اینجا لازم است جوانان تحصیل کرده و لایق وزارت کشاورزی را نیز معاطب قرار داده بگوئیم اوضاع اسفناک کشاورزی و وضع رقت بار کشاورزان کشور بر هیچیک از شما بوقیقه نیست و میدانم که لزوم اصلاحات فوری از آرزوهای شماست این اوضاع اسفناک باید بدست شما که سالیان فراز در راه تحصیل زحمت کشیده و اطلاعات مفید کسب نموده اید خانه بدبختی اصلاح گردد.

شما باید بایک اتقان و صبیت خلل ناپذیر در راه اصلاح اوضاع کشاورزی مملکت کوشیده و هر گونه حب و بغض شخصی را کنار بگذارید. در این روزها که بدبختی از هر طرف گریبان مردم را گرفته فداکاری جوانان و مبارزه با مشکلات از ضروریات است.

آن کشاورز بیچاره که پس از زحمت و رنج فراوان در عین فقر و ناتوانی مالی مدت ۱۲ ماه سال کار میکند و در آخر هم قوت لا بونی بیش ندارد باید بوسیله کی راه نمایی گردد؛ کیست که باید تعولات اساسی در کشاورزی مملکت ایجاد کند؛ کیست از شما دلسوزتر که این برادران ایرانی را از این فقر و مسکنت برهاند؛ آیا باید منتظر شد از خارج کسانی بیاید و برای مالدسوزی کنند؛ یا باید منتظر قضاوند شد؛

شما که میدانید وطن بشی چه شما که میدانید فقط در سایه کار و جدیت ممکن است موفقیتی یافت و این خرابیها را اصلاح کرد بیش از این دست بر روی دست نگذارید. دلسوزی بخود راه نمیدود در مقابل هر تاملایی بر خون سردی و استقامت بیافزاید و با همکاری صمیمانه خود از این مشکل گرهی بکشاید.